

## سبک زندگی امیر مؤمنان علی(ع)

### کیستی امیر مؤمنان علی(ع)

بر اساس آیات قرآن امام علی(ع) نفس و جان پیامبر(ص) است [1]. او یکی از اولوالامرهای است که اطاعت ایشان واجب است [2]. در آیات قرآن حضرت علی(ع) به عنوان عالم و دانای به تمام کتاب [3]، از راسخون در علم [4]، از اهل عصمت و طهارت [5]، اهل الذکر [6]، خویشان و ذوی القربایی که مودت آنان واجب است [7]، از ابرار و مقربان (سوره انسان و روایات تفسیری)، و ده ها عنوان و دارنده فضایل بسیار دیگر معرفی شده است.

آن حضرت مجموع فضایل حتی اضداد بود. فهرست فضائلی را خداوند و پیامبر(ص) برای آن حضرت(ع) بیان می کنند که می توان گفت همه صفات و اسمای الهی را تجلی و ظهور می بخشید. پیامبر خدا(ص) در بیان برخی از فضایل ایشان فرموده است: هر که می خواهد به «آدم» و علم او و «نوح» و تقوای او و «ابراهیم» و بردباری او و «موسی» و هیبت او و «عیسی» و عبادت او بنگرد، به «علی بن ابی طالب» بنگرد [8].

ایشان پرورده دامن رسول الله(ص) است؛ چنانکه خودش می فرماید: شما خود در پیوند با رسول خدا هم به دلیل خویشاوندی و هم به سبب موقعیت ویژه من، جایگاه مرا می شناسید. او مرا از روزگاری که نوزادی بودم در دامن خود می نشاند و بر سینه می چسبانید و از عطر دلپذیرش بهره مندم می ساخت، لقمه را می جوید و در دهانم می گذاشت و هرگز در گفتارم دروغی نشنید و در رفتارم لغزش و سبکسری ندید [9].

علی(ع) محرم راز پیامبر(ص) بود و پیامبر اسرارش را با ایشان در میان می گذاشت. حضرت علی(ع) در این باره فرموده است: موقعیتی که من در محضر پیامبر خدا داشتم برای هیچ کس دیگر نبود. من هر روز سحر محضر ایشان می رفتم [10].

بریده الأسلمی می گوید: هرگاه که با پیامبر(ص) به سفر می رفتیم، علی(ع) مسئول توشه و بار پیامبر بود، آنها را از خودش جدا نمی کرد و هنگامی که در جایی منزل می کردیم توشه و اثاث پیامبر را واری می نمود و اگر نیاز به ترمیم و اصلاح داشت اصلاح می کرد و اگر کفش و نعلین پیامبر نیاز به تعمیر و دوخت داشت آن را انجام می داد [11].

این انس و ارتباط و پیوند حضرت علی(ع) با پیامبر(ص) موجب می شود تا در فرصت های مختلف، از علوم بی پایان رسول خدا بهره گیرد. پیامبر(ص) هم این جان خویش به تعبیر قرآن را عزیز و گرامی می داشت و به او عنایت ویژه داشت. این گونه است که گفتنی های بسیار و اسرار مهمی را با او در میان می گذاشت. البته این موقعیت برای هیچ کس دیگر فراهم نبود و همین فضیلت بود که حسد برخی بدخواهان را برمی انگیخت.

مجموعه ای که ایشان از پیامبر(ص) دریافت کرد او را به گنجینه وحی مبدل ساخت. ایشان در خلوت های خویش با پیامبر(ص) یا می پرسید یا پیامبر(ص) خود علومش را به وی انتقال می داد. امیرمؤمنان علی(ع) در این باره نیز فرموده است: هرگاه از پیامبر خدا سؤال می کردم، خواسته ام را پاسخ می داد و اگر من سکوت می کردم او خود پیشگام می شد و از دانش خود بهره مند می ساخت [12].

آن حضرت(ع) چنانکه قرآن می فرماید از راسخون در علوم قرآنی و اهل ذکر است که باید دین را از او یاد گرفت و متشابهات را فهمید؛ زیرا توان ارجاع متشابهات به محکمت را دارد و آشنای کامل به قرآن و معارف آن و قرآن ناطق است. حضرت علی(ع) خود می فرماید: به خدا سوگند آیه ای از قرآن کریم نازل نشده است مگر اینکه من

می دانم در چه موضوعی و در کجا نازل شده است، زیرا پروردگارم به من دلی اندیشمند- ژرف اندیش- و زبانی پرسشگر عنایت کرده است [13].

## لزوم بهره گیری از سبک زندگی امام علی (ع)

با توجه به آیات و روایات پیش گفته و غیر آنها باید گفت که هر فردی اگر بخواهد سبک زندگی قرآنی اسلامی داشته باشد، باید زندگی را از امیرمؤمنان علی (ع) بیاموزد. از نظر پیامبر (ص) هر کسی که شیعه امام علی (ع) شد و پا در جای پای ایشان گذاشت رستگار خواهد شد و وارد بهشت می شود. بنابراین، لازم است تا هر مسلمانی سبک زندگی امام را بشناسد و براساس آن رفتار نماید.

ابن کهمس گوید: به حضرت صادق (ع) عرض کردم: عبدالله بن ابی یعفور بر شما درود فرستاد. حضرت فرمود: بر تو و بر او درود باد، وقتی پیش او رفتی سلام مرا به او برسان و بگو: جعفر بن محمد می گفت: نیک بنگر هر آن ویژگی که باعث شد تا علی (ع) به آن مقام بلند نزد پیامبر خدا برسد، خود را ملازم آن خصلت نما و یقین بدان هر مقامی که علی نزد پیامبر یافت تنها و تنها به خاطر راستگویی و امانتداری بود [14].

در این روایت ضمن اینکه شناخت سبک زندگی اسلامی امام علی (ع) به عنوان یک واجب برای بهره گیری از آن مطرح شده، به برخی از ویژگی های اخلاقی تاکید خاص و ویژه ای مبذول شده است؛ زیرا این فضایل اخلاقی ریشه دیگر فضایل اخلاقی است و هر کسی به اینها متخلق شود بستری برای تخلق به فضایل دیگر فراهم می آورد. از نظر آموزه های قرآنی معیار ارزش انسانها و میزان مسلمانی بر اصول و فضایی چون «صدق» و «امانت» است. در روایات بسیاری آمده است که به نماز و رکوع و سجود اشخاص نگاه نکنید، بلکه بنگرید که راستگویی و امانت

داری او چگونه است؟ زیرا این امور است که شرافت و کرامت انسانی را نمایان می سازد و انسان دروغگو و خائن هرگز بهره ای از انسانیت نبرده چه رسد که بهره مند از مسلمانی باشد و در مسیر ایمان قرار گیرد.

برخی از ویژگی های سبک زندگی امیرمومنان(ع)

در اینجا به برخی از مهم ترین ویژگی های سبک زندگی اسلامی امیرمومنان(ع) اشاره می شود.

## ۱. حلال خواری و خشنودی خدا و پیامبر

از مهمترین ویژگی هایی که یک انسان مومن را از غیر مومن متمایز می کند همین اموری است که حضرت صادق(ع) در این حدیث فرموده است: به خدا سوگند علی بن ابی طالب(ع) تا روزی که از این دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچگاه بر سر دو راهی - که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد- قرار نگرفت مگر اینکه پرزحمت ترین آنها را برگزید و هر حادثه مهمی که برای پیامبر خدا پیش می آمد - به دلیل اعتمادی که به علی داشت- از او کمک می گرفت. در میان این امت هیچ کس نتوانست همانند علی(ع) راه پیامبر را- بی کم و کاست- طی کند و با این همه تلاش و کوشش، همواره چون بیمناکان کار می کرد، چشمی به بهشت و چشم دیگر بر آتش داشت، از سویی امیدوار پاداش بهشت و از سوی دیگر هراسناک از کیفر آتش بود. (الارشاد، ص ۲۵۵) ابن عباس نیز درباره طالب رضای حق بودن ایشان می گوید: علی(ع) در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت «مرتضی» نامیده شد [15].

در مدینه آن حضرت(ع) برای محافظت از جان پیامبر(ص) در مسجد خود را آماده مقابله با توطئه ها می کرد، زیرا منافقانی درصدد ضربه زدن به آن حضرت(ص) بودند، از همین رو مراقبت و حفاظت از جان پیامبر لازم بود و امام

به عنوان محافظ رسول خدا(ص) کنار ستون محرس در مسجد النبی می نشسته و مراقب اوضاع بود. آن ستون هم در مسجد النبی و کنار قبر حضرت رسول مشخص است و روی آن نوشته است: «اسطوانه الحرس»

## ۲. پشتیبانی حق و سازش ناپذیری

از ویژگی های آن حضرت(ع)، نداشتن سازش با مخالفان حق و عدل و برخورداری از قاطعیت انقلابی در راه انجام وظیفه بود. خود آن حضرت(ع) می فرماید: به جان خودم سوگند، در نبرد با کسی که مخالفت حق کند و راه گمراهی پیش گیرد، نه مداهنه و سازش می کنم نه سستی [16]. و در جایی دیگر می فرماید: در تمامی زندگی من، نقطه سیاهی نیست تا عیب جویمان و اشاره کنندگان با چشم و ابرو اشاره کنند و سخنی گویند. خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بستانم و نیرومند نزد من ناتوان است تا حق دیگران را از او بازگیرم. ما با تمام وجود به قضای الهی خشنود و در برابر فرمائش تسلیم هستیم [17]. آن حضرت(ع) به آنچه می گفت عمل می کرد و از همین رو، قاطعیت، در اجرای حق و عدالت و پشتیبانی از مظلوم در برابر ظالم از ویژگی های «حکومت علوی» بود. هر چند اجرای دقیق عدالت، به کام دنیا خواهان خوش نمی آمد و عده ای از او می رنجیدند، اما دلخوشی آن حضرت این بود که خدایش از او راضی است. آن حضرت(ع) می فرماید سخن گفتن از عدل و حق آسان ولی عمل بدان سخت و دشوار است.

## ۳. رضایت خداوند اصل اساسی در سیاست علوی

امیر مؤمنان(ع) جز برای رضایت خداوند گامی برنداشت و بر آن بود تا با خداوند در حالت «راضیه مرضیه» با نفسی مطمئن ملاقات کند [18]. این گونه است که در دوره جاهلیت و اسلام هرگز از این اصل در هیچ یک از سیاست هایش عدول نکرد. آن حضرت(ع) درباره این راهبرد اساسی در سیاست عمومی خویش می فرماید: به خدا سوگند،

من همواره در زمره پیشتازان این حرکت بودم تا روزی که جبهه دشمن تار و مار شد و جاهلیت از صحنه بیرون رفت، بی آنکه کمترین ضعف یا ترسی داشته باشم و امروز نیز در همان راستا قدم برمی دارم و تصمیم دارم باطل را بشکافم تا حق از پهلوی آن بیرون آید. مرا با قریش چه کار؟ که دیروز در موضع کفر بودند و با آنان جنگیدم و امروز نیز که گرفتار فتنه و انحراف شده اند به پیکارشان خواهم خاست. من همانگونه که دیروز با آنان برخورد کردم امروز نیز همانم [19]. همین سیاست است که دیگران را به دشمنان وی تبدیل کرد و اجازه ندادند تا به عنوان خلیفه خدا و پیامبر(ص) بر منصب ولایت الهی خود در ظاهر قرار گیرد و او را از ولایت ظاهری و خلافت دنیوی محروم کردند. در حقیقت تنها گناه امام(ع) از نظر دیگران همان سازش ناپذیری و سیاست راهبردی رضایت خدا است. همین رضایت جوئی خداوند و عدم تکیه و اعتماد به غیر خدا موجب می شود تا ایشان به جنگاوری بی باک تبدیل شود و در زمان تنزیل و تاویل از مشرکان و منافقان نهراسد. حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمود:.. و از شگفتی های زمانه این است که - شامیان- به من پیام داده اند که خود را برای مقابله با سرنیزه ها آماده کنم و برای ضربه های شمشیر شکیبا باشم، مادران گریان به سگوشان بنشینند! تاکنون کسی مرا با دعوت به جنگ تهدید نکرده است و از زخم های نیزه و شمشیر هراسی نداشته ام، چرا که بر یقین به پروردگارم تکیه دادم و دینم را زنگار شبهه نیالوده است [20].

#### ۴. عدالت خواهی و عدالت محوری

از دیگر سیاست های راهبردی امام علی(ع) در سبک زندگی ایشان عدالت خواهی و عدالت محوری است. همین عنصر نیز بسیاری را از وی و حکومتش دور می کند؛ زیرا اجرای عدالت در حق خود و خویشان بسیار سخت و دشوار است؛ این در حالی است که آموزه های اسلامی تاکید دارد که عدالت را حتی در حق دشمنان چنان اجرا کنید که به وی ظلمی روا نشود و به خاطر خویشان و دوستی با افراد از عدالت عدول نکنید [21]. سیاست های

عدالتی امیرمؤمنان(ع) بر بی تقوایان سخت می آمد؛ زیرا از نظر قرآن عدالت نزدیک ترین حالت به تقوای الهی است. (همان) در روایت است آنگاه که حضرت امیر به دلیل رعایت مساوات در تقسیم بیت المال مورد عتاب قرار گرفت فرمود: آیا به من امر می کنید و اصرار می ورزید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسانی که مسئولیت سرپرستی آنها بر دوشم نهاده شده است به دست آورم؟ به خدا سوگند که تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان در پی هم حرکت می کنند، چنین کار ناروایی نخواهم کرد. اگر این مال، ثروت شخصی من بود در تقسیم آن مساوات را رعایت می کردم، چه رسد به اینکه مال، مال الله است [22]. آن امام را تندیس عدالت می گویند؛ چنان که خود می فرماید: به خدا سوگند اگر اقلیم های هفت گانه زمین را با هر چه در زیر آسمان آنها است به من دهند تا خدا را در حد گرفتن پوست جوی از دهان موری نافرمانی کنم، نخواهم کرد. چرا که این دنیای شما در نزد من از برگ نیم جویده ای در دهان ملخی ناچیزتر است. علی را با نعمت های فناپذیر و لذت های گذرا و ناپایدار چه کار [23]!

## ۵. همدلی و همدردی با در ماندگان

در شیوه حکومت، سیاست مردمی و جانبداری از مظلومان و محرومان از اصول کلی زمامداری امیرمؤمنان(ع) بود. ایشان با همدلی و همدردی با مردم بر آن بود تا حق و عدالت را اجرا کند؛ زیرا با چنین سیاستی است که می توان مردم را در جایگاه کرامت و شرافت خودشان قرار داد. آن حضرت(ع) مردم را دوست داشت، مردم هم او را دوست داشتند. پیامبر گرامی اسلام(ص) به این ویژگی امام علی(ع) به عنوان یک عطای الهی اشاره کرده و فرموده است: یا علی، خدای متعال تو را چنین قرار داده که بینوایان را دوست بداری و آنان را به عنوان پیروان خویش بپسندی و آنان هم تو را پیشوایی و امامت بپسندند [24].

## ۶. همدردی با مردم و یآوری محرومان

گرایش به مردم و روحیه مهرورزی به آنان، از ویژگی های رهبران الهی است. بر اساس آموزه های قرآنی مومن باید مهارت همدلی و همدردی را بیاموزد و نسبت به دیگران اجرا کند. این که خداوند یکی از ویژگی های اهل ایمان و نماز را کمک به محروم و سائل دانسته در همین چارچوب است [25]. کمک و انفاق و اطعام به دیگران و احسان به مردمان از اصولی است که در اسلام بسیار مورد تاکید است و رهبران الهی به عنوان الگوهای حسنه باید در این امور پیشگام باشند چنانکه بودند و هستند. مغیره - الضبی - می گوید: علی (ع) به موالی - شهروندان غیر عرب و بردگان آزاد شده - تمایل بیشتری داشت و نسبت به آنان مهربانتر بود. در صورتی که - خلیفه دیگر به شدت از آنان دوری می گزید و پرهیز می کرد [26] درباره همدردی آن حضرت (ع) با مردم می توان به این سخن آن حضرت استناد کرد که فرمود: هیئات که هوی و هوسم بر من چیره شود و شکم بارگی به گزینش طعام های لذیذ وادارم کند، در حالی که چه بسا در یمامه و یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نداشته و خاطره ای از سیری ندارند و هرگز مباد که من با شکم پر بخوابم در حالی که شاید پیرامون من شکم های به پشت چسبیده و جگرهای سوخته باشد [27]. بی خبری مسئولان حکومتی از وضع زندگی مردم جامعه، ناپسند است. در حکومت های غیرمردمی، حاکمان به راحتی و رفاه خود می اندیشند و همه وسایل آسایش را برای خود و بستگان خویش فراهم می کنند و به رنج و محرومیت و گرسنگی و نیاز طبقات محروم توجهی ندارند. حضرت علی (ع) این شیوه را از شأن حکومت دور می داند و به یاد گرسنگان جامعه در دور افتاده ترین مناطق است.

## ۷. پیشتاز در عمل نیک و خیر

قرآن از سرعت و سبقت گیری مومنان در کارهای نیک و خیر سخن به میان آورده و آنان را تشویق می کند [28]. اسوه های ایمان و عمل همواره در هر کار خیر و نیکی پیشگام بوده و هستند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) درباره خود می فرماید: ای مردم! به خدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرا نمی خوانم مگر آنکه خود بر



شما - در عمل به آن - پیشی می جویم و از هیچ گناهی نهی نمی کنم - مگر آنکه پیش از شما، خود را از عمل به آن باز می دارم [29].

## ۸. ارشاد و موعظه گری

خداوند در قرآن بر موعظه دیگران و اینکه انسان دیگری را به کارهای خیر و آخرت یادآور شود و از دلبستگی به دنیا باردارد تاکید دارد. انسان ها همواره نیازمند پند و موعظه و نصیحت هستند. به این معنا که گاه لازم است به شکل عام مسائل خیر و اخلاقی گوشزد شود یا به شکل خاص درباره رفتار شخصی به خودش تذکر داده شود. امام علی(ع) دلسوزانه به این امر اقدام می کرد. زاذان می گوید: حضرت امیرالمؤمنین(ع) به تنهایی در بازار می گشت و گمشده را راهنمایی و ناتوان را کمک می کرد و به هنگام عبور از پیش فروشندگان و کسبه، قرآن کریم را در برابر آنها می گشود و این آیه را برای آنها می خواند «خانه آخرت - سعادت ابدی - را برای کسانی قرار دادیم که قصد سرکشی و فساد در زمین ندارند و عاقبت - نیک - تنها از آن پرهیزکاران است [30].» البته گاه لازم است به شکل امر به معروف و نهی از منکر به این فریضه عمل شود؛ زیرا اگر ترک این فریضه شود ممکن است ارزش ها با ضد ارزش ها جابه جا شده و به شکل یک فرهنگ درآید. از این رو، امام علی(ع) نسبت به اوضاع جامعه و رفتار کسبه و مردم بی تفاوت نبود، شخصا امر به معروف و نهی از منکر می کرد و با «تذکر لسانی» مردم را به یاد خدا و قیامت می انداخت، تا به وظیفه خویش عمل کنند.

## ۹. سفره و خوراک

راوی می گوید از حضرت صادق(ع) شنیدم که فرمود: حضرت امیرالمؤمنین در نوع غذا شبیه ترین افراد به پیامبر خدا(ص) بود. او خود نان و سرکه و روغن زیتون می خورد و به مردم - مهمانان خود - نان و گوشت می داد [31].

## ۱۰. کار و تلاش

آن حضرت(ع) با توجه به موقعیت های زندگی کاری را انجام می داد که نیاز جامعه بدان بود و امکانش برایش فراهم بود. ایشان به حکم قرآنی به آبادانی زمین می پرداخت[32] و کارش را بیهوده نمی دانست؛ چنانکه قرآن می فرماید: **ایحسب الانسان ان یترک سدی**؛ آیا انسان گمان می کند که رها شده است؟[33] در روایت است که امام علی(ع) هنگام شخم زدن زمین این آیه را می خواند. حضرت امام صادق(ع) درباره کار و تلاش آن حضرت(ع) فرموده است: گاهی امیرالمومنین به سوی صحرا می رفت و همراه خود باری از هسته خرما می برد، وقتی سوال می شد این چیست که به همراه داری؟ می فرمود: هر دانه از اینها یک نخل است ان شاء... آنگاه می رفت و همه آنها را می کاشت و دانه ای از آنها را نمی خورد [34]. آن حضرت(ع) زندگی اش را از راه کار و تلاش تامین می کرد و خود را وابسته به بیت المال نمی کرد، بلکه چنان بود که دیگران نیز از کار و تلاش وی بهره مند می شدند. خود آن حضرت می فرمود: ای مردم کوفه اگر- مرا دیدید- با اندوخته ای بیشتر از وسایل شخصی زندگی و مرکب و غلام خود از نزد شما برگشتم، بدانید که خائن بوده ام- آن حضرت در مدت حکومت، از بیت المال مصرف نمی کرد- و هزینه زندگی او از زمین های کشاورزی که در یبوع داشت تامین می شد [35].

## ۱۱. ساده زیستی

آن حضرت(ع) با آن که درآمد خوبی از کار و تلاش خویش در زمین ها و نخلستان ها داشت، ولی همه آنها را در راه خدا انفاق می کرد و خود بهره ای نمی برد. در دوران عزلت از سیاست و در اوج قدرت یکسان زیست و تفاوتی در زندگی اش پدید نیامد و به سوی تجملات نرفت، با آن که وضع مسلمانان در آن دوره خوب بود و اقتصاد شکوفایی داشتند، ایشان به کمترین چیزها قناعت می کرد و بسیار ساده می زیست. حضرت خود در این باره فرموده است: به خدا سوگند تن پوش خود را چندان وصله کرده ام که از وصله کننده اش شرم دارم. روزی گوینده ای به

من گفت: آیا زمان دور افکندن آن فرا نرسیده است؟ و من گفتم: دور شو، که هنگام بامداد، از مردم شب رو سپاسگزاری می شود (یعنی نتیجه این رنج من در آینده مورد تمجید قرار خواهد گرفت). امیرالمومنین (ع) پنج سال حکومت کرد و در طول این مدت آجری بر آجر و خشتی روی خشت نهاد و زمینی را به خود اختصاص نداد و درهم سفید و دینار سرخی به ارث نگذاشت [36].

## ۱۲. عبادت و طریق بندگی

امام به حکم آیه ۵۶ سوره ذاریات فلسفه آفرینش انسان را عبادت و عبودیت و بندگی دانسته و بر آن مسیر حرکت می کرد. حضرت صادق (ع) فرموده است: حضرت امیرالمومنین به هنگام وضو گرفتن اجازه نمی داد کسی برایش آب بریزد و می فرمود: دوست ندارم در نمازم به درگاه خدا کسی را شریک قرار دهم [37]. از نظر ایشان نماز، امانت الهی است که بندگان را به بندگی می رساند. برای همین بر آن اهتمام خاص داشت. در تفسیر قشیری آمده است: هرگاه وقت ادای نماز می رسید، رنگ چهره امیرالمومنین تغییر می یافت و بر خود می لرزید. وقتی به او می گفتند: این چه حالت است؟ می فرمود: هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه شد و آنها از حمل آن سرباز زدند و انسان این بار امانت را برداشت [38]. از همین رو، ایشان نمازخانه ای داشت که در آنجا به عبادت و بندگی می پرداخت. حضرت صادق (ع) فرمود: حضرت امیرالمومنین در خانه خود اتاقی را که نه کوچک بود و نه بزرگ، اختصاص به نماز خود داده و هر شب کودکی را برای خوابیدن به همراه خود می برد و در همان جا نمازهایش را می خواند [39]. در این حدیث دو نکته وجود دارد که هر دو از آداب و مستحبات اسلامی است:

## ۱۲. اختصاص دادن جای معینی برای نماز و عبادت در خانه

پرهیز از تنها خوابیدن در یک خانه که مکروه است. اختصاص یک مکان برای نماز و عبادت، آنجا را قداست می بخشد و حضور قلب و تمرکز روحی بهتری برای نماز گزار فراهم می کند.

### ۱۳. نقش نگین

نقش نگین انگشتری ایشان پیام های اساسی را به دیگران یادآور می شد. از این رو، توجه به این نقش ها به عنوان شعار زندگی هر مسلمانی اساسی و مهم است. عبد خیر می گوید: علی(ع) چهار انگشتر داشتند که به دست می کردند: یاقوتی برای نجابت و بزرگی - فرزنگی - و فیروزه برای پیروزی و حدید چینی برای نیرومندی و عقیق را نیز برای محافظت. نقش نگین یاقوت: «**لااله الاالله الملك الحق المبين**» و نقش فیروزه: «**الله الملك الحق**» و نقش حدید: «**العزة لله جميعا**» و در نگین عقیق سه سطر نقش بسته بود: «**ماشاءالله، لاقوة الا بالله، استغفرالله**» [40]

### ۱۴. پیمان روزانه با فرشتگان

حضرت صادق(ع) فرموده است: حضرت امیر(ع) هر بامداد- خطاب به دو فرشته نویسنده اعمال می فرمود: مرحبا بر شما دو فرشته بزرگوار و یادداشت کننده اعمال- به خواست خدا امروز نیز- آنچه دوست دارید بر شما املا خواهم کرد و به دنبال این تعهد به ذکر: «**سبحان الله و لااله الاالله**» مشغول می شد تا خورشید طلوع می کرد و هنگام عصر نیز تا غروب آفتاب، به همان ذکرها می پرداخت [41].

### ۱۵. فرزند صالح، روشنایی چشم

از نظر امام علی(ع) فرزند صالح همان چشم روشنی بشر است. از نظر آن حضرت(ع) فرزندان صالح، دیندار و مفید برای جامعه، مایه روشنی چشم والدین و ذخیره صالح برای آنان است و پس از مرگ پدر و مادر هم، خوبی های

آنان سبب یاد خیر و طلب رحمت مردم برای پدر و مادرش می شود. تربیت دینی اولاد، از مهم ترین وظایف والدین است و ادب، برترین میراث آنان است. حضرت در این باره فرموده است: به خدا سوگند هیچ گاه از پروردگار خود فرزندان خوش سیما و نه فرزندان سر و قامت نخواستیم، بلکه فرزندان مطیع خداوند و ترسان از او خواسته ام تا هرگاه به فرزندم نگریستم و او را در حال اطاعت خدا دیدم، چشمانم روشن شود [42].

آنچه بیان شد تنها گوشه ای از جنبه های سبک زندگی امام علی (ع) بود و قطعا پرداختن به همه این جنبه ها نیاز به یک کتاب قطور خواهد داشت.

### پی نوشت ها

- [1] آل عمران، آیه ۶۱
- [2] نساء، آیه ۵۹
- [3] رعد، آیه ۴۳ و روایات تفسیری
- [4] آل عمران، آیه ۷ و روایات تفسیری
- [5] احزاب، آیه ۳۳ و روایات تفسیری
- [6] انبیاء، آیه ۷ و روایات تفسیری
- [7] شوری، آیه ۲۳
- [8] ارشاد القلوب، ص ۲۱۷
- [9] نهج البلاغه، ح ۱۹۲
- [10] مسند احمد، ج ۱، ص ۷۷-۸۵
- [11] بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۳۰۳
- [12] المصنف، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۳۲۰۶۱

- [13] انساب الاشراف، ج ٢، ص ٩٨ ح ٢٧
- [14] الكافي، ج ٢، ص ١٠٤، ح ٥
- [15] المناقب، ج ٣، ص ١١٠
- [16] نهج البلاغه، الخطب: ٢٤
- [17] نهج البلاغه، الخطب: ٣٧
- [18] فجر، آيات ٢٧ تا ٣٠
- [19] نهج البلاغه، خ ٣٣
- [20] نهج البلاغه خ ٢٢
- [21] مائده، آيه ٨؛ انعام، آيه ١٥٢
- [22] نهج البلاغه، خ ١٢٤
- [23] نهج البلاغه، خ ٢٢٢
- [24] حلية الاولياء، ج ١، ص ٧١
- [25] ذاريات، آيات ١٩ و ٢٠؛ معارج، آيات ٢٤ و ٢٥
- [26] الغارات: ص ٣٤١
- [27] نهج البلاغه، نامه: ٤٥
- [28] بقره، آيه ١٤٨؛ مائده، آيه ٤٨
- [29] نهج البلاغه، خ ١٧٣
- [30] المناقب ج ٢، ص ١٠٤
- [31] الكافي، ج ٦، ص ٣٢٨
- [32] هود، آيه ٦١
- [33] قيامت، آيه ٣٦

[34] الكافي، ج ٥، ص ٧٥

[35] الغارات، ص ٤٤

[36] المناقب ابن شهر آشوب، ج ٢، ص ٩٥

[37] علل الشرايع، ج ١، ص ٣٢٣

[38] المناقب، ج ٢، ص ١٢٤؛ الاحزاب، آيه ٧٢

[39] المحاسن، ج ٢، ص ٤٢٥ ح ٢٥٥٧

[40] الخصال، ص ١٩٩

[41] بحار الانوار، ج ٨٤، ص ٢٦٧ ح ٣٨

[42] تفسير الصافي، ج ٤، ص ٢٧